

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

۱۰۰۰ نکته کلیدی

آیین دادرسی



مدنی

دانش‌پژوه گرامی  
لطفاً قبل از مطالعه کتاب به  
درست‌نامه مندرج در انتهای  
کتاب مراجعه کنید.

تدوین: امید ولدخانی

انتشارات چتر دانش

## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست موضوعی

نکته ۱	کلیات
<b>نکته ۲۰</b>	<b>باب اول: در صلاحیت دادگاه ها</b>
نکته ۲۰	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه ها
نکته ۵۵	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن
<b>نکته ۶۲</b>	<b>باب دوم: وکالت در دعاوی</b>
<b>نکته ۸۸</b>	<b>باب سوم: دادرسی نخستین</b>
نکته ۸۸	فصل اول: دادخواست
نکته ۸۸	مبحث اول: تقدیم دادخواست
نکته ۹۲	مبحث دوم: شرایط دادخواست
نکته ۹۶	مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست
نکته ۱۰۵	مبحث چهارم: پیوسته‌های دادخواست
نکته ۱۱۶	فصل دوم: بهای خواسته
نکته ۱۳۰	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی
نکته ۱۳۰	مبحث اول: جریان دادخواست
نکته ۱۳۵	مبحث دوم: ابلاغ
نکته ۱۶۷	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی
نکته ۱۹۱	فصل چهارم: جلسه دادرسی
نکته ۲۱۶	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست
نکته ۲۲۸	فصل ششم: امور اتفاقی
نکته ۲۲۸	مبحث اول: تأمین خواسته
نکته ۲۶۴	مبحث دوم: ورود شخص ثالث
نکته ۲۷۳	مبحث سوم: جلب شخص ثالث
نکته ۲۸۴	مبحث چهارم: دعوای متقابل
نکته ۲۹۰	مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت های خارجی
نکته ۲۹۸	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه
نکته ۲۹۸	مبحث اول: تأمین دلیل
نکته ۳۰۸	مبحث دوم: اظهارنامه
نکته ۳۱۱	فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
نکته ۳۵۰	فصل نهم: سازش و درخواست آن
نکته ۳۵۰	مبحث اول: سازش
نکته ۳۶۳	مبحث دوم: درخواست سازش
نکته ۳۷۴	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
نکته ۳۷۴	مبحث اول: کلیات
نکته ۳۹۵	مبحث دوم: اقرار
نکته ۴۱۲	مبحث سوم: اسناد
نکته ۴۱۲	الف- مواد عمومی
نکته ۴۳۰	ب- انکار و تردید
نکته ۴۳۶	ج- ادعای جعلیت
نکته ۴۴۴	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند
نکته ۴۶۰	مبحث چهارم: گواهی
نکته ۴۸۸	مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی

مبحث ششم: رجوع به کارشناس	نکته ۵۰۷
مبحث هفتم: سوگند	نکته ۵۳۵
مبحث هشتم: نیابت قضایی	نکته ۵۷۶
فصل یازدهم: رأی	نکته ۵۹۱
مبحث اول: صدور و انشای رأی	نکته ۵۹۱
مبحث دوم: ابلاغ رأی	نکته ۶۰۷
مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی	نکته ۶۱۳
مبحث چهارم: واخواهی	نکته ۶۲۱
مبحث پنجم: تصحیح رأی	نکته ۶۳۷
مبحث ششم: دادرسی فوری	نکته ۶۴۳
<b>باب چهارم: تجدیدنظر</b>	<b>نکته ۶۶۶</b>
فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر	نکته ۶۶۶
فصل دوم: آرای قابل تجدید نظر	نکته ۶۶۹
فصل سوم: مهلت تجدیدنظر	نکته ۶۷۷
فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی	نکته ۶۸۱
فصل پنجم: جهات تجدیدنظر	نکته ۶۹۷
<b>باب پنجم: فرجام خواهی</b>	<b>نکته ۷۱۸</b>
فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی	نکته ۷۱۸
مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام	نکته ۷۱۸
مبحث دوم: موارد نقض	نکته ۷۲۴
مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی	نکته ۷۳۱
مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی	نکته ۷۵۰
مبحث ششم: اقدامات پس از نقض	نکته ۷۶۵
مبحث هفتم: فرجام تبعی	نکته ۷۸۰
فصل دوم: اعتراض شخص ثالث	نکته ۷۸۵
فصل سوم: اعاده دادرسی	نکته ۷۹۸
مبحث اول: جهات اعاده دادرسی	نکته ۷۹۸
مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی	نکته ۸۰۹
مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی	نکته ۸۱۶
<b>باب ششم: مواعد</b>	<b>نکته ۸۴۵</b>
فصل اول: تعیین و حساب مواعد	نکته ۸۴۵
فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد	نکته ۸۵۶
<b>باب هفتم: داوری</b>	<b>نکته ۸۶۴</b>
<b>باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار</b>	<b>نکته ۹۴۹</b>
فصل اول: هزینه دادرسی	نکته ۹۴۹
فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی	نکته ۹۵۴
<b>باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد</b>	<b>نکته ۹۶۸</b>
فصل اول: کلیات	نکته ۹۶۸
فصل دوم: خسارات	نکته ۹۸۱
فصل سوم: مستثنیات دین	نکته ۹۹۰

## فهرست

۱۱	کلیات.....
۱۶	باب اول: در صلاحیت دادگاهها.....
۱۶	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها.....
۲۵	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن.....
۲۷	باب دوم: وکالت در دعاوی.....
۳۲	باب سوم: دادرسی نخستین.....
۳۲	فصل اول: دادخواست.....
۳۲	مبحث اول: تقدیم دادخواست.....
۳۲	مبحث دوم: شرایط دادخواست.....
۳۳	مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....
۳۶	مبحث چهارم: پیوسته‌های دادخواست.....
۳۸	فصل دوم: بهای خواسته.....
۴۱	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....
۴۱	مبحث اول: جریان دادخواست.....
۴۲	مبحث دوم: ابلاغ.....
۴۹	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....
۵۳	فصل چهارم: جلسه دادرسی.....
۵۸	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۶۰	فصل ششم: امور اتفاقی.....
۶۰	مبحث اول: تأمین خواسته.....
۶۷	مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....
۶۹	مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....
۷۱	مبحث چهارم: دعوای متقابل.....
۷۲	مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت های خارجی.....
۷۴	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه.....
۷۴	مبحث اول: تأمین دلیل.....
۷۵	مبحث دوم: اظهارنامه.....
۷۶	فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۸۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن.....
۸۲	مبحث اول: سازش.....
۸۵	مبحث دوم: درخواست سازش.....
۸۶	فصل دهم: رسیدگی به دلایل.....
۸۶	مبحث اول: کلیات.....
۸۹	مبحث دوم: اقرار.....
۹۲	مبحث سوم: اسناد.....
۹۵	الف- مواد عمومی.....
۹۵	ب- انکار و تردید.....
۹۶	ج- ادعای جعلیت.....
۹۸	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند.....
۱۰۱	مبحث چهارم: گواهی.....
۱۰۶	مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی.....
۱۰۹	مبحث ششم: رجوع به کارشناس.....
۱۱۳	مبحث هفتم: سوگند.....
۱۲۰	مبحث هشتم: نیابت قضایی.....

۱۲۳	فصل یازدهم: رأی
۱۲۳	مبحث اول: صدور و انشای رأی
۱۲۵	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۱۲۶	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۱۲۸	مبحث چهارم: واخواهی
۱۳۰	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۱۳۱	مبحث ششم: دادرسی فوری

### ۱۳۶ ..... باب چهارم: تجدیدنظر

۱۳۶	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۱۳۶	فصل دوم: رأی قابل تجدیدنظر
۱۳۸	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۱۳۹	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۱۴۱	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر

### ۱۴۵ ..... باب پنجم: فرجام خواهی

۱۴۵	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۱۴۵	مبحث اول: فرجام خواهی و رأی قابل فرجام
۱۴۶	مبحث دوم: موارد نقض
۱۴۷	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۱۵۱	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۱۵۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۱۵۳	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۱۵۵	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۱۵۶	فصل دوم: اعتراض ثالث
۱۵۹	فصل سوم: اعاده دادرسی
۱۵۹	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۱۶۱	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۱۶۳	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۱۶۹	باب ششم: مواعد
۱۶۹	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۱۷۱	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد

### ۱۷۴ ..... باب هفتم: داوری

#### ۱۹۰ ..... باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار

۱۹۰	فصل اول: هزینه دادرسی
۱۹۱	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی

#### ۱۹۵ ..... باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد

۱۹۵	فصل اول: کلیات
۱۹۸	فصل دوم: خسارات
۲۰۰	فصل سوم: مستثنیات دین

#### ۲۰۴ ..... منابع

#### ۲۰۵ ..... درستنامه

## علائم اختصاری

ق.ا	..... قانون اساسی
ق.م	..... قانون مدنی
ق.ت	..... قانون تجارت
ل.ا.ق.ت	..... لایحه‌ی اصلاح قانون تجارت
ق.م.ا	..... قانون مجازات اسلامی
ق.آ.د.م	..... قانون آیین دادرسی مدنی
ق.آ.د.ک	..... قانون آیین دادرسی کیفری
ق.ا.ح	..... قانون امور حسبی
ق.ا.ا.م	..... قانون اجرای احکام مدنی
ق.ج.ر	..... قانون جرائم رایانه‌ای
ق.ح.خ	..... قانون حمایت خانواده
ق.ص.چ	..... قانون صدور چک
ق.و	..... قانون وکالت
ق.ث.ا	..... قانون ثبت احوال
ق.ن.ر.ق	..... قانون نظارت بر رفتار قضات
ق.ت.آ.د.د.ع.ا	..... قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
ق.ت.د.ع.ا	..... قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
ر.ک	..... رجوع کنید

## پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

ستایش بی آرایش، یکتا دارایی را سزد که هستی همه از تابش اوست.

«آیین دادرسی مدنی»، مجموع اصول و قواعدی است که خواهان در مقام «طرح» امور حسبی، دعاوی مدنی و بازرگانی، خواننده در مقام «دفاع» و دادگاه در مقام «رسیدگی و صدور رأی»، مکلف به رعایت آنها هستند. لذا، اصول و مقررات مذکور، مکمل و متمم آن دسته از مقررات حقوقی است که حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آن را تعیین می نماید؛ زیرا چنانچه حقوق مورد اشاره به وسیله‌ی دیگران تضییع یا انکار شود، مدعی این‌گونه حقوق، با اجرای مقررات آیین دادرسی مدنی، می تواند شناسایی یا اجرای آن را از دادگاه تقاضا نماید.

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، دانستن مقررات آیین دادرسی مدنی موجب می شود تا حقوقدانان، دادرسان، وکلاء و مشاوران حقوقی، در مقام احقاق حقوق اشخاص، با گام‌های مؤثر و عملی‌تری اجرای آن را تضمین نمایند.

بر همین اساس، از جمله مواد امتحانی آزمون پذیرش متقاضیان پروانه‌ی کارآموزی وکالت «آیین دادرسی مدنی» است؛ زیرا کانون وکلای دادگستری بدین طریق قصد دارد تا میزان آگاهی داوطلبان آزمون فوق را در زمینه‌ی مقررات آیین دادرسی مدنی مورد ارزیابی قرار دهد و بالطبع کسانی از این آزمون سربلند بیرون می‌آیند که آگاهی نسبتاً قابل قبولی به این قبیل مقررات دارند و می‌توانند در طرح دعاوی مربوطه و دفاع از حقوق حقه‌ی موکل، عملکرد مطلوبی داشته باشند.



با عنایت به اهمیت فراوان آیین دادرسی مدنی در قبولی داوطلبان در آزمون مذکور و وسعت مطالب مربوط به آن، تدوین و انتشار کلیه این مطالب به طور خلاصه و نکته ای در مجموعه ای منسجم (۱۰۰۰ نکته) بسیار ضروری است. از سوی دیگر بدیهی است، ارائه‌ی مطالب فوق، به صورت خلاصه، آن هم به زبانی روان و بی‌تکلف می‌تواند گام مهمی در میزان آگاهی داوطلبان به شمار آمده و مطمئناً در توفیق آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. مجموعه نکات حاضر در پی تحقق اهداف مذکور فراهم شده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از جناب آقای فرزاد دانشور مدیر فرهیخته و محترم مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش که امکان انتشار این کتاب را فراهم نمودند و همچنین از راهنمایی‌ها و معاضدت‌های دوست محترم جناب آقای احد شاهی دامن جانی، نهایت سپاس و امتنان را داشته باشم.

امید ولدخانی

مهر ۱۳۹۴

## کلیات

**نکته ۱:** مطابق ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی و موضوعاتی که در مقام رسیدگی تابع اصول و مقررات این قانون هستند، عبارتند از:

۱- کلیه دعاوی مدنی: دعاوی مدنی در مفهوم اعم آن، به معنای دعاوی ناشی از روابط حقوقی اشخاص به جز روابط تجاری آنها می‌باشد.

۲- دعاوی بازرگانی: دعاوی است که به نحوی مربوط به معاملات تجاری می‌باشد.

۳- امور حسبی: اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند؛ بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعاوی از طرف آنها باشد.

۴- سایر مراجعی که به موجب قانون، موظف به رعایت آن هستند: اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی از عموم و کلیت برخوردار است، از این رو در هر مورد که قواعد خاص وضع نشده باشد، به کار گرفته می‌شود.

### ◀ (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

**نکته ۲:** بررسی رعایت مقررات و تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی در سایر قوانین:

الف) قانون امور حسبی: مطابق ماده ۲ ق.ا.ح، رسیدگی به این امور تابع مقررات وضع شده در این قانون است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد. بنابراین، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در امور حسبی در مواردی حاکمیت دارد که ق.ا.ح نسبت به آن حکمی نداشته باشد.

ب) قانون شوراهای حل اختلاف: مطابق ماده ۱۸ ق.ش.ح.ا، رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است. اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است. اما مقررات ناظر به صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، مستثنی بوده و تابع مقررات خود قانون شوراهای حل اختلاف می‌باشد. همچنین مطابق ماده ۱۹ این قانون، رسیدگی شورا از حیث تشریفات، تابع آیین دادرسی مدنی نیست. منظور از تشریفات، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

ج) قانون حمایت خانواده: مطابق ماده ۸ ق.ح.خ، رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

د) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: مطابق مواد ۱۰ به بعد ق.ت.آ.د.ع.ا، رسیدگی

در دیوان عدالت اداری تابع مقررات خود قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده است. مانند تبصره ۲ ماده ۱۶، بند ب ماده ۶۲، تبصره ماده ۹۷، بند ۳ ماده ۱۱۱ و ماده ۱۲۲ ق.ت.آ.د.ع.ا.

ر) قانون آیین دادرسی کیفری: مطابق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

**نکته ۳:** برای اقامه‌ی دعوا، چهار شرط لازم است: ۱- منجز بودن حقّ مورد ادعا ۲- ذی‌نفع بودن مدعی ۳- محرز بودن سمت از حیث اصالت و نمایندگی ۴- دارا بودن اهلیت قانونی.

- برخی از حقوقدانان، وجود حقّ منجز را از شرایط پیروزی دعوا قلمداد نموده‌اند. همچنین بیان شده است که، تقدیم دادخواست از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم شرایط دعوا محسوب می‌گردد، نه از جمله شرایط اقامه‌ی دعوا (ر.ک: دکتر عبدا... شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، ش ۵۰۲ الی ۵۰۴).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۴:** نفع به مفهوم سود، منفعت، بهره و مقابل ضرر و زیان آمده است. ذی‌نفعی خواهان به این معناست که، در صورت صدور حکم علیه خوانده، باید نفعی نصیب خواهان گردد. در واقع شخصی که اقامه‌ی دعوا می‌نماید باید توجیه کند که اگر دعوای اقامه شده، به صدور حکم علیه خوانده بینجامد، قابلیت این را دارد که سودی به او برساند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۵:** شخص در صورتی ذی‌نفع در دعوا شمرده می‌شود که نفع ادعا شده: ۱- حقوقی و مشروع باشد، بدین معنی که مورد حمایت قانونگذار باشد؛ ۲- به وجود آمده و باقی باشد، بدین معنی که وجود نفع برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری نباشد (استثناء ماده ۱۱۴ ق.آ.د.م)؛ ۳- شخصی و مستقیم باشد، بدین معنی که شخص در صورتی می‌تواند اقامه‌ی دعوا نماید که نفعی شخصی و مستقیم، در صورت احراز حق اصلی مورد ادعا، نصیب او شود (استثناء ماده ۶ ق.ج.خ).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۶:** شرایط استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی عبارتند از: ۱- قوانین موضوعه کامل یا صریح نباشند؛ ۲- قوانین موضوعه متعارض باشند (این مورد فقط شامل تعارض قوانین می‌شود، به طوری که نتیجه‌ی عمل به هر یک عکس نتیجه‌ی عمل به دیگری باشد)؛

۳- اصلاً قانونی در قضیه‌ی مطروحه وجود نداشته باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۷:** چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بدانند، نمی‌تواند برخلاف قانون رأی بدهد؛ بلکه فقط می‌تواند با این استدلال که قانون خلاف فتوای اوست، پرونده را برای ارجاع به شعبه‌ی دیگر، ضمن صدور قرار امتناع از رسیدگی نزد رئیس حوزه‌ی قضایی ارسال دارد.

- مطابق نظر برخی از حقوقدانان، با توجه به اصل ۴ ق.ا که تشخیص شرعی یا غیر شرعی بودن قوانین بر عهده‌ی شورای نگهبان است، لذا تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م، از این لحاظ مورد انتقاد به نظر می‌رسد. همچنین این امر می‌تواند موجب تشمت آراء گردد (ر.ک: دکتر علی مهاجری، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۹۵، ش ۱۶).

#### ◀ (مرتبط با تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۸:** موظف بودن دادگاه‌ها به تعیین تکلیف نسبت به هر دعوا به طور خاص، مطابق اصل ۱۶۶ ق.ا، بدین معنی است که احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. در غیر این صورت، حکم مزبور در مرحله‌ی بالاتر قابل نقض خواهد بود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۴ ق.آ.د.م)

**نکته ۹:** مطابق ماده ۵ ق.آ.د.م، اصل بر قطعیت آراء (اعم از حکم و قرار) است، مگر در مواردی که در قانون قابلیت نقض و تجدیدنظر نسبت به آن پیش بینی شده باشد (موارد مصرّح در مادّتين ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.آ.د.م).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۰:** درخصوص آرای صادره از شوراهای حل اختلاف، مطابق ماده ۲۷ این قانون، کلیه‌ی آرای صادره از این مرجع (به استثنای گزارش‌های اصلاحی) قابل تجدیدنظر خواهی است. همچنین، طبق ماده ۶۵ ق.ت.آ.د.ع.ا، کلیه‌ی آرای شعب بدوی دیوان عدالت اداری قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر می‌باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۱:** عقود و قراردادهایی که در دادگاه‌ها قابل ترتیب اثر نیستند عبارتند از: ۱- عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی باشند. نظم عمومی در حقوق داخلی به معنای رعایت قواعد آمره‌ای است که هدف از وضع آن‌ها حفظ منافع عمومی می‌باشد. ۲- عقود و قراردادهایی که مخالف اخلاق حسنه باشد. اخلاق

حسنة، موازين اخلاقی است که نقض آن از سوی مردم آن کشور ناپسند شمرده می‌شود. ۳- عقود و قراردادهایی که مغایر با موازين شرع (مخالف صریح قانون) باشند (مستنبط از مواد ۱۰ و ۹۷۵ ق.م).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۶ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۲:** رسیدگی ابتدایی در مرجع بالاتر از مرحله‌ی بدوی ممنوع است. در واقع، اصل بر این است که به ماهیت هیچ دعوایی تا زمانی که در مرحله‌ی نخستین نسبت به آن حکمی صادر نشده است، نمی‌توان در مرحله‌ی بالاتر رسیدگی نمود مگر اینکه قانون تجویز کرده باشد. منظور از مرحله‌ی بالاتر، مرحله‌ی تجدیدنظر است که رسیدگی ماهوی می‌نماید و همچنین مرحله‌ی فرجام که صرفاً رسیدگی در آن به صورت شکلی می‌باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۳:** مواردی که در قانون تجویز شده است (استثنائات) عبارتند از: ۱- دعاوی طاری ورود ثالث و جلب ثالث (دعاوی تقابل و اضافی در صورتی که در مرحله‌ی بدوی نسبت به آن رسیدگی نشده باشد، بر طبق مفاد ماده ۳۶۲ ق.آ.د.م، در مرحله‌ی تجدیدنظر قابل طرح نیستند، زیرا ادعای جدید محسوب می‌گردند). ۲- رسیدگی به مطالبه‌ی خسارت ناشی از قرار تأمین خواسته صادره از دادگاه تجدیدنظر. ۳- دعاوی ابطال رأی داوری ارجاعی از سوی دادگاه تجدیدنظر.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۴:** صراحت ماده ۷ ق.آ.د.م، ناظر به حکم است. بنابراین پرونده‌ای که نسبت به آن قرار صادر شده است، قابل رسیدگی ماهوی در مرحله‌ی بالاتر نیست. چنانچه مطابق ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م، دادگاه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد شکایت را مطابق با موازين قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده‌ی قرار عودت می‌دهد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۵:** اصل بر اجرای احکام دادگاه‌هاست، به این معنا که مقامات رسمی، اعم از مقامات دادگستری و سایر مقامات دولتی حق تغییر یا جلوگیری از اجرای حکم دادگاه را ندارند، مگر دادگاهی که حکم را صادر نموده و یا مرجع بالاتر آن هم منحصراً در مواردی که در قانون توسط قانونگذار تجویز شده باشد (در غیر این صورت مقام مستنکف مطابق ماده‌ی ۵۷۶ ق.م.ا، مستحق مجازات است).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۶:** ماده ۸ ق.آ.د.م، در بردارنده‌ی قاعده‌ی فراغ دادرسی است. بر اساس این قاعده، هرگاه دادرسی نسبت به دعوی مطروحه اقدام به صدور رأی مقتضی نماید، پس از انشای رأی، دیگر حق دخل و تصرف یا اعمال تغییرات در آن را، حتی با وجود رضایت اصحاب دعوا، ندارد. البته بر این قاعده استثنائاتی نیز وارد است: ۱- تصحیح و اصلاح رأی در صورت وجود سهو قلم یا اشتباه در محاسبه (مطابق ماده ۳۰۹ ق.آ.د.م) ۲- رسیدگی وخواهی ۳- اعتراض شخص ثالث ۴- اعاده‌ی دادرسی ۵- در صورت خطای تصمیم در امور حسبی در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد (مطابق ماده ۴۰ ق.ا.ج). بنابراین، قانون‌گذار در موارد فوق به دادگاه اجازه داده که حکم خود را تغییر دهد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۷:** آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان است، مگر اینکه قوانین مزبور خلاف شرع شناخته شود.

- دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع انعقاد آنهاست، مگر این که دلایل مذکور از ادله‌ی شرعی‌ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

- دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع طرح دعواست.

- قوانین حاکم بر آیین تهیه، ارائه و به‌کارگیری ادله، تابع قوانین مجری در زمان رسیدگی است، حتی اگر قوانین مزبور جدید التصویب باشند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۸:** مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و صلاحیت ذاتی، امره محسوب شده و اثر فوری داشته و شامل دعوی مطروحه نیز می‌گردند. همچنین، قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص (مانند مواعد قانونی از قبیل مهلت وخواهی و تجدیدنظر خواهی) نیز اصولاً اثر فوری داشته و عطف به‌ماسبق می‌گردند، مگر در مواردی که عطف به‌ماسبق نمودن آنها به حقوق مکتسبه‌ی افراد خلل وارد آورد (از جمله قوانین مرتبط در این خصوص می‌توان به ماده ۱۱ ق.م.ا، و ماده ۴ ق.م.ا اشاره نمود).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۹:** مقررات لاحق در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد (مستنبط از ماده ۳۷۲ ق.آ.د.م)، ولیکن در صورت نقض رأی مورد فرجام‌خواهی، دادگاه مرجوع الیه موظف به اجرای قوانین جدید است.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

## باب اول: در صلاحیت دادگاهها

### فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

**نکته ۲۰:** صلاحیت ذاتی هنگامی مطرح می‌شود که مرجعی صالح به رسیدگی به دعوی باشد و آن دعوا در هیچ مرجع دیگر قابل رسیدگی نباشد. در صلاحیت ذاتی سه معیار صنف، نوع و درجه‌ی دادگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. مراجع قضایی از لحاظ صنف به مراجع قضایی و اداری، از لحاظ نوع به عمومی و اختصاصی (مانند نظامی، انقلاب، خانواده و ...) و از لحاظ درجه به بدوی و تجدیدنظر تقسیم می‌شوند. از ویژگی‌های قواعد صلاحیت ذاتی، آمره بودن، عدم لزوم ایراد و قابلیت طرح در تمام مراحل دادرسی است (وجود صلاحیت ذاتی، در موقع صدور رأی و وجود صلاحیت محلی، در موقع اقامه‌ی دعوا لازم است).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۱:** در صلاحیت نسبی، پس از اعمال مقررات صلاحیت ذاتی، دادگاه صالح به لحاظ صلاحیت محلی مشخص می‌گردد. لذا در صورتی که دادگاه صلاحیت نسبی نداشته باشد، در صورت ایراد طرفین، قرار عدم صلاحیت صادر خواهد شد. در صورتی که دادگاه بدوی صلاحیت نسبی نداشته باشد و این امر نیز مورد ایراد طرفین قرار نگیرد، دادگاه می‌تواند رأساً قرار عدم صلاحیت صادر کند؛ البته رسیدگی هم می‌تواند بنماید. در واقع دادگاه در این حالت، تکلیف به رسیدگی ندارد ولی حق رسیدگی می‌تواند داشته باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۲:** اصل بر صلاحیت مراجع قضایی عمومی است، مگر در مواردی که در قانون نسبت به آن تصریح شده باشد. مانند الف) صلاحیت شوراهای حل اختلاف مطابق ماده ۹ این قانون (از قبیل: دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال، کلیه‌ی دعاوی مربوط به تخلیه‌ی عین مستأجره به جز دعوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه، دعاوی تعدیل اجاره‌بها به شرطی که در رابطه‌ی استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد، صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن، ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد، دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه نصاب دویست میلیون ریال در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ نباشند). ب) صلاحیت